

## توکل: امن ترین سنگر مستحکم دفاعی و بازخوانی تأثیرات تربیتی

زینب السادات اطهری اصفهانی<sup>۱</sup>، مبینا غربا<sup>۲</sup>، سیدابراهیم میر شاه جعفری<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف شرح و توصیف یکی از ابزارهای دفاعی که انسان از آغازین روز حیات به آن مجهز شده است و در زمره مفاهیم والای اسلامی می‌باشد تدوین شده است. این ابزار درونی که آدمی به قداست وجود آن در برابر کلیه حملات و آسیب‌ها در امان مانده است هیچ حد و حصری ندارد و ارمغانی است که خداوند آن را به تمامی انسان‌ها عرضه داشته، و همانا ایمان و ایقان به لطف و کرامت خداوند است. توکل به میزانی که در وجود انسان متوکل نمایان شود دارای درجات متفاوتی است که در همه مکان‌ها و زمان‌ها نگهدارنده آدمی در برابر وسوسه‌های شیطان و نفوس حیوانی که همگی درجه انسانی را تنزل می‌بخشند و روح آدمی را به اضمحلال می‌کشانند، می‌باشد. به همین خاطر انسان همیشه در حال نبرد بین حق و باطل بوده است و توکل بر خداوند که همانا ایمان به قدرت لایزال حضرت حق است، دژی مستحکم برای آدمی است که نقش ابزار دفاعی را برای وی ایفا می‌نماید. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای به بررسی نقش توکل به‌عنوان دفاعی نرم جهت حمایت و حفاظت از انسان‌ها می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان داد به هر میزانی که مخلوق به ریسمان الهی چتک زند و امور خود را به خداوند واگذار نماید به همان میزان بی‌نیازی از غیر پیدا می‌کند و هیچ‌گاه در برابر هجوم دشمنان درون و بیرون به خود بیمی راه نمی‌دهد و مأیوس نمی‌گردد. به همین دلیل، در این مقاله نخست به مفهوم‌شناسی پدافند عامل و غیرعامل، مفهوم توکل، نقش توکل به‌عنوان محافظ انسان در برابر حملات، آثار و پیامدهای توکل به‌عنوان پدافند غیرعامل و در نهایت نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توکل، پدافند غیرعامل، تدافع، دژ مستحکم، تأثیرات تربیتی

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه کاشان

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

## مقدمه

در چرخش روزگار گردون که تنها وجود مسبب الاسباب و واجب الوجود به عنوان نقطه ثقل این گردونه نامتناهی ثابت است همه چیز اعم از دارائی و فرزند خواه ناخواه در منزلی فرود می‌آیند و گاه این منزل چه بد فرودگاهی است این جا اوج اضمحلال آدمی است هیچ چیز وجود ندارد که حتی روزنه ای از امید به پیروزی دیگر را پس از شکست عظیم در وی به ودیعه گذاشته باشد. در این زمان به کدام نیرو و قدرت می‌خواهد وابسته باشد آنان که خود فانی اند و محتاج؟ اگر از بدو خلقتش فقط نیم نگاهی به آثار وجودی اش می‌انداخت می‌دانست که همه امور، آن چیزی که هست و به عنوان مخلوق می‌بیند حکم و حجتی برای خداوند است و آن قدر خود را محتاج محتاجان نمی‌نمود همیشه پیروزی از آن کسانی است که در تمامی امور رهبری را تعیین می‌کنند و امورشان را به وی واگذار می‌نمایند هیچ جبهه ای پیروز نمی‌گردد تا زمانی که تدبیر امور را به تازه واردها واگذارد در این صورت از همان ابتدا نتیجه مشخص است. حال با ذکر این مطالب می‌خواهیم بدانیم آدمی که همیشه در دو راهی گزینش حق و باطل و گرایش به سمت یک کدام دچار آشفتگی گردیده است و گاه خود را نیازمند نیازمندان ساخته تا پیروز گردد اکنون پس از شکست‌های متعدد چه گونه برنامه ریزی نماید که در این نبرد سهمگین سرفراز و پیروز بیرون بیاید؟ بنابر این باید اقداماتی انجام دهد که نیازی در به کار گیری جنگ افزارهای ساخته دست بشر ندارد و با اجرای آن نه تنها خسارتی به آدمی وارد نمی‌کند بلکه از تخریب آدمی جلوگیری می‌نماید و سبب کاهش آسیب پذیری انسان و یا حتی رفع آسیب‌ها می‌گردد. در حقیقت آن چه را تحت عنوان حیات آدمی از آن یاد می‌کنیم همانا مواجه شدن با باطل و مبارزه علیه آن است و هم چنین به زانو در آوردن هر آن چه آدمی را به حرکت و گرایش به سمت بدی‌ها می‌کشاند با وجود این نیرو که اعتماد و ایمان بر قدرت پروردگار است تداوم می‌یابد. به بیانی می‌توانیم با وجود این نیروی درونی که دفاعی در برابر هجوم دشمنان است بحران و آسیب‌ها را مدیریت نماییم. همه این‌ها بیانگر نقطه اتکال بر خداوند بلند مرتبه است. مگر جز این است که برترین مخلوق که مرآت صفات پروردگار است در ثنایش چنین می‌گوید "انت الغنی و انا الفقیر و هل یرحمُ الفقیر الا الغنی" برآستی چه کسی انسان را کفایت می‌کند و به او قدرتی می‌دهد که در برابر هجوم دشمنان درون و بیرون به خوبی از کرامت انسانی دفاع کند؟ حسین بن علوان از حضرت صادق روایت کرده است که آن حضرت در برخی کتاب‌های آسمانی خوانده که خداوند فرمودند: "به عزت و جلال و رفعت بر عرشم سوگند همانا آرزوی هر آرزوکننده از مردم، بر غیر من را با ناامیدی قطع می‌کنم و جامه ذلت در نزد مردم را بر او می‌پوشانم" (عاملی، ۱۳۸۹، ص ۸۲). امام باقر(ع) می‌فرماید "من توکل علی الله لایغلب، و من اعتصم بالله لایهزم" کسی که بر خدا توکل کند مغلوب نمی‌شود، و کسی که به دامن لطفش چنگ زند شکست نمی‌خورد" (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۵۹) بنابراین لازم است تمام نیروی درونی خود را به کار گیرد که در

برابر حملات و آسیب‌ها به خوبی دفاع و مقابله نماید که در رأس تمام قدرت‌های نهاده شده در درون آدمی که وی را از حیوان متمایز می‌کند توکل بر خداوند قرار دارد که وحدت بین تمام عناصر درونی که در زمره فضائل هستند را به وجود می‌آورد در این صورت است که حتی قرار گرفتن در برابر هزاران دشمن و نقشه شوم و حملات ناگهانی آنان نیز بیمی راه نخواهد داد و در این هنگام کلیه انرژی ذخیره شده رها خواهد شد و بدنبال این آزاد سازی انرژی درونی درجه امنیت آدمی در برابر هر آدمی زاده ای که قصد حمله تحکم آمیز را دارد که برانسان سلطه نماید بالاتر از حد معمول می‌رود چرا که قوت خود را از سرچشمه در یافت نموده است نه از جویبارها و بدین سان تمامی تهاجمات در هم شکسته خواهد شد. توان یک تی ان تی<sup>۱</sup> را در نظر بگیرید مافوق توان آن در درون آدمی تعبیه شده که سبب گسیختگی تک تک نفرات دشمن می‌گردد. بنابر این آدمی است و هزاران هزار نیروی محافظ که تمامی تحت امر یک پدافند هوایی که محیط بر همه است قرار گرفته اند و آن ایمان، ایقان و اعتماد بر ذات اقدس پروردگار است.

## مفهوم شناسی بحث

### ۱- پدافند غیرعامل

"پدافند به معنی حفظ جان مردم، تضمین امنیت افراد، صیانت از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در همه مواقع، در همه شرایط، موقعیت و هر گونه تجاوز است" (احمرلوئی، ۱۳۸۹، ص ۱۳). پدافند به دو بخش عامل و غیرعامل تقسیم می‌شود که پدافند عامل بیشتر در هنگام وقوع بحران (جنگ، سیل، زلزله، شورش‌های داخلی) استعمال می‌شود و دفاع در مقابل دشمن با بکار گیری سلاح ها، تجهیزات جنگی، و تکنیک‌های رزمی به منظور از کار انداختن ماشین جنگی دشمن و نابودی آن را تعریف می‌کند" (نیازی تبار، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

در ارتباط با پدافند غیرعامل این تعریف را ارائه نموده اند "پدافند غیرعامل شامل مجموعه طرح ها، اقدامات و برنامه ریزی هایی است که بدون به کار گیری سلاح موجب کاهش آسیب پذیری، افزایش آستانه تحمل و مقاومت مردم و تداوم فعالیت‌های منابع ملی در گستره کشور در مقابل تهدیدات خارجی گردیده و در واقع دفاع در مقابل دشمن است که از تمام مؤلفه‌های ملی خود (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اطلاعاتی و...) برای به زانو درآوردن کشور هدف و مورد تهاجم استفاده می‌نماید و یا به بیانی کشورهایی که طعم جنگ را چشیده اند و یا شاهد آسیب‌های وارده به کشورهای دیگر بوده اند جهت حفظ سرمایه‌های ملی و منابع حیاتی خود در راستای کاهش آسیب پذیری، استمرار تولید و تداوم خدمات ضروری و حیاتی کشور در شرایط بحران ناشی از جنگ، از پدافند غیرعامل استفاده می‌نمایند" (حسینی و

۱. روشی برای ارزیابی میزان انرژی آزاد شده در اثر انفجار است. یک تن تان تی برابر با ۴۰۱۸۴ ژول است که در اثر انفجار یک تن تری‌نیترو تولوئن آزاد می‌گردد. (T.N.T)

دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵-۱۱۴).

حسینی امینی (۱۳۹۰) معتقد است دفاع غیرعامل بیشتر تأکیدش بر مدیریت پیش از بحران است و هر اقدام غیر مسلحانه ای که موجب کاهش آسیب پذیری نیروی انسانی، ساختمان ها، تأسیسات و تجهیزات، اسناد و شریان های کشور در مقابل بحران هایی با عامل طبیعی (خشک سالی سیل و زلزله، رانش) و یا عامل انسانی (جنگ، شورش های داخلی، تحریم) می شود را شامل می گردد. به بیانی هر حرکتی که روحیه یک ملت را هدف گیرد، تهدید نرم یا جنگ نرم است. "در جنگ نرم دشمن سعی می کند بدون استفاده از زور و با استفاده از شیوه های پیچیده و غیر مستقیم طرف مقابل را به تأیید و انجام اعمال ناخواسته وادار کند که در جهت اهداف خود است. در این جنگ دشمن برای نفوذ و دست یابی به اهداف خود به صور گوناگون عمل می نماید. ابتدا با ایجاد تغییر در افکار و آراء نخبگان و کارشناسان برای بوجود آمدن تردید در ارزش ها و باورها و سپس با ایجاد تغییر در افکار توده های مردم و پذیرش اهداف و ارزش های مورد استفاده دشمن، فرصت تهدید، و اعمال قدرت دشمن عملی می شود. دفاع غیرعامل مهم ترین راهبرد آگاهی رسانی و آگاهی بخشی به مردم در مقابل روش ها و شیوه های دشمن است. تلاش اساسی در پدافند غیرعامل بر این بنیان است که ما را به شیوه های دفاع بدون استفاده از ابزار نظامی آشنا سازد. هدف از دفاع غیرعامل، استمرار فعالیت های زیر بنایی، تأمین نیازهای حیاتی، تداوم خدمات رسانی عمومی و تسهیل اداره کشور در شرایط تهدید و بحران تجاوز خارجی و حفظ بنیه دفاعی به رغم حملات خصمانه و مخرب دشمن از طریق اجرای طرح های پدافند غیرعامل و کاستن از آسیب پذیری مستحدثات و تجهیزات حیاتی و حساس کشور است" (خرم آبادی، ۱۳۹۰، ص ۷۲). علاوه بر این "پدافند غیرعامل شامل مجموعه تمهیدات، اقدامات و طرح های غیر مسلحانه ای است که قبل از شروع تهاجم و در زمان صلح تهیه و اجرا می شوند که هدف اصلی از اجرای آن کاهش تلفات جانی، مالی، ارتقاء سطح و کارایی دفاعی طرح ها و پروژه ها در زمان تهاجم دشمن است" نیز می باشد (نقیب زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۶). بنابراین آن چه از بیان این مطالب استنباط می گردد این است که پدافند غیرعامل نه با هدف خون ریزی و نبرد خصمانه ی همراه با کشت و کشتار، بلکه به عنوان یک نوع جهاد حق علیه باطل است که به صور گوناگون نمود می یابد و اقسام متفاوتی را شامل می گردد که یک نمونه از این نوع دفاع مبرا از هر گونه ابزار فیزیکی و نابود کردن آدمیان، ایمان به قدرت پروردگار و یا همانا توکل است.

## ۲- توکل

توکل یکی از منزل های راهروان و یکی از مقامات خداپرستان، بلکه برترین درجات اهل یقین است، و از این رو در ستایش و فضیلت و در ترغیب به آن در قرآن کریم و احادیث اسلامی شواهد بسیاری رسیده است (نراقی، ترجمه جلال الدین مجتبیوی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۸). انسان با اتصال به بیکران اقیانوس موج و خروشان

الهی یعنی «توکل» جان می‌گیرد، بر پا می‌ایستد، گسترده می‌شود، بیکران دریا می‌گردد و آن‌گاه: بلند موج‌های سهمگین و خروشان را - آرام و نرم - در آغوش می‌گیرد و در جوار هزاران مردار، در پرتو تابش هزاران سال آفتاب، در برودت کشنده و سخت هزاران خزان و با انشعاب هزاران رودخانه و نهر - استوار و پا برجا و جاویدان - دوام می‌آورد. توکل پیوندی است استوار با حاکم هستی و او که برتر از همه‌ی محدودیت‌ها، نقص‌ها، ضعف‌ها، جهل‌ها و کمبودهاست، تلاش‌هایمان را تداوم می‌بخشد و حرکت‌هایمان را ابدی می‌کند و درخت هستی‌مان را بارور می‌سازد و در یک کلمه «کفایت» می‌کند. همه عوامل مرگ‌زا را پس می‌زند، همه سنت‌ها و ارزش‌ها را در راه رویائی ما به کار می‌گیرد و حیاتی جاوید می‌بخشد. توکل مایه‌ی ایمنی از عوامل مرگ‌زا، فراتری در توانمندی، پیروزی و شکست‌ناپذیری، نفی سلطه شرآفرینان و راه‌یابی و راه‌گشایی و در نهایت باروری یک جوانه نوشکفته است (منذر، ۱۳۵۷، صص ۴۲-۴۱). توکل، مصدر باب تفاعل است و در اصل از ماده‌ی «وکالت» به معنی سپردن کارها به خداوند و اعتماد بر لطف اوست (سلطانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۸). عالمان اخلاق در باب ماهیت توکل گفته‌اند: توکل یعنی اعتماد و اطمینان قلبی انسان به خداوند در همه‌ی امور خویش و بیزاری از هر قدرتی غیر از او (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱، ص ۸۹).

توکل در لغت به معنی اعتماد کردن و تکیه کردن بر کسی و اعتراف کردن به عجز خود، به خدا سپردن و دل برداشتن از اسباب دنیا و به حضرت سبب الاسباب توجه نمودن، پناه بردن به خدا و امید به خدا و تکیه و اعتماد بر خدا، گردن نهادن به خدا و اعتماد و اطمینان کردن به او و نزد اهل حقیقت اعتماد کردن به آن چه از خداست و یأس از آن چه در دست انسان است (زرهانی، ۱۳۷۶، ص ۴۳). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است از جبرئیل سوال فرمود: «ما التوکل علی الله عزوجل» توکل بر خداوند بزرگ چیست؟ عرض کرد: «العلم بان المخلوق لا یضر و لا ینفع و لا یعطى و لا یمنع و استمال الیاس من الخلق» حقیقت توکل علم و آگاهی به این است که مخلوق نمی‌تواند زیانی برساند و نه سودی، و نه چیزی ببخشد و نه از او باز دارد و (دیگر) به کار بستن یأس از خلق است. سپس فرمود: هنگامی که بنده خدا چنین باشد، جز برای خدا عملی انجام نمی‌دهد و امید و ترسی جز به خدا ندارد و به هیچ کس جز خدا دل نمی‌بندد، این است حقیقت توکل (بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۳۸). همچنین، در حدیث دیگری از امام معصوم (ع) پرسیدند: توکل چیست؟ فرمود: «لا تخاف سواه» توکل این است که از غیر خدا نترسی (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۴۳). بنابراین، روح توکل انقطاع الی الله یعنی بریدن از مخلوق و پیوستن به خالق است؛ البته تحقق این حالت در انسان متوقف است بر ایمان و یقین و قوت قلب نسبت به این که هیچ قوت و قدرتی جدا از خداوند در کار عالم و آدم اثرگذار نمی‌باشد و همه علل و اسباب مقهور قدرت الهی‌اند و تحت اراده‌ی او عمل می‌کنند، که خود در واقع مرتبه‌ای از مراتب توحید است. بنابراین، توکل به معنای نفی انتساب امور به انسان یا اسباب و علل طبیعی و ارجاع اصالت و استقلال به خداوند است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱، صص ۹۰-۸۹). مگر جز این

است که خالق، مخلوق را کفایت می‌کند بنابراین هیچ‌گاه کسی نیست که در معرض سختی‌ها، دشمنی‌ها و حملات قرار گیرد و خداوند را بخواند و او جوابش را ندهد.

### ۳- نقش توکل به عنوان محافظ انسان در برابر حملات

توکل به عنوان نیروی دفاعی در برابر آسیب‌ها در نظر گرفته شده که باید بستر و زمینه لازم جهت رشد و پرورش آن فراهم گردد تا به عنوان محافظی پرقدرت که نیروی آن نامتناهی است در هنگام هجوم دشمن، عمل نماید.

فردرو (۱۳۸۷) بیان می‌دارد از آن‌جا که دفاع غیرعامل مهم‌ترین راهبرد آگاهی‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم در مقابل روش‌ها و شیوه‌های دشمن است دارای سطوح و درجات مختلفی جهت پاتک زدن به دشمن و خنثی نمودن نقشه‌های آنان می‌باشد. به همین خاطر دژ مستحکمی که در درون آدمی به ودیعه نهاده شده است نیز دارای درجات و مراتب مختلفی از منظر دارندگان آن می‌باشد "متوکلین در تکیه کردن به خداوند و واگذاری امور به او با هم فرق دارند و درجه و مرتبه توکلشان متفاوت است؛ به همین دلیل برخی از عالمان اخلاق برای توکل به خداوند درجات سه‌گانه‌ای قائل شده‌اند که به شرح زیر می‌باشد

نخستین درجه توکل آن است که انسان رابطه خود و خدای خود را مانند رابطه وکیل و موکل قرار دهد. در این‌جا، موکل کاملاً به وکیل اعتماد می‌کند و او را جانشین خویش در رسیدن به هدف مورد نظر قرار می‌دهد. پس نخستین درجه توکل آن است که انسان خدا را کم‌تر از وکیل ظاهری که برای رسیدن به مقاصد خویش اختیار می‌کند نداند" (رشیدپور، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲). در حقیقت این اعتماد نوعی ابزار دفاعی و یا به بیانی‌اشنایی با یک شیوه دفاع است در برابر شیاطین آشکار و پنهان که قصدشان غلبه و به تسخیر در آوردن آدمی است.

دومین درجه توکل آن است که انسان از اصل توکل غافل و در وکیل خود یعنی خداوند فانی است، در این مرتبه آدمی به خداوند، همان‌گونه اعتماد می‌کند که کودک به مادر خویش اعتماد می‌کند. کودک در ابتدای طفولیت کسی جز مادر را نمی‌شناسد، و به غیر او اعتماد ندارد، و چون او را ببیند، به دامن وی می‌آویزد، و اگر مادر حضور نداشته باشد هر حادثه‌ای برای او پیش آید فوراً مادر را صدا می‌کند و به هنگام گریه او را می‌طلبد. بنابراین، این درجه‌ای بالاتر از توکل است، زیرا در این حالت انسان غرق عنایات حق است و جز او کسی را نمی‌بیند و در مشکلات، غیر او را صدا نمی‌زند (نراقی، ۱۳۵۱، ص ۵۹۲). در حقیقت در این مرحله متوکل، خداوند صاحب قدرت را مایه افزایش توانایی و دانایی خود می‌داند و گویا مسلک پیر هرات را بر خود بر می‌گزیند: "الهی گل‌های بهشت در پای عارفان خار است جوینده تو را با بهشت چه کار است". عاشقانه معبود را خواستن و صدا زدن را بهترین دارایی و نهایت توانمندی خود می‌داند که نقیب زاده (۱۳۸۹) نیز دفاع غیرعامل را زمینه‌ای جهت افزایش توانایی در مقابله با تهدیدات دشمن می‌داند.

سومین درجه توکل که بالاترین و آخرین درجه آن می‌باشد، این است که آدمی به طور کامل در برابر خدا از خویش سلب اختیار کند، یعنی خودش را هیچ نبیند و نداند و چیزی نخواهد مگر آن که خداوند متعال به آن راضی و خشنود باشد. تفاوت این نوع از توکل با نوع دوم در این است که در این جا شخص حتی التماس و درخواست و تضرع و دعا را هم رها می‌کند و باور دارد که خداوند امور را به حکمت خویش تدبیر می‌کند، اگر چه او هم التماس و درخواست نکند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱، ص ۹۰). یعنی ایمان دارد خدا در ما و با ماست این آمادگی همه مکانی و همه زمانی را خود خداوند تدبیر نموده است و این یک شیوه ایمن سازی جهت دفع آسیب‌ها است که به واسطه قادرترین مدافع صورت می‌پذیرد. نمونه واقعی این نوع توکل، اتکال حضرت ابراهیم (ع) است؛ زیرا هنگامی که نمرودیان او را در منجنیق نهاده تا در آتش اندازند، فرشته‌ی الهی به او یادآوری می‌کند که از خداوند درخواست یاری و نجات نمایید، ولی او در پاسخ می‌گوید: «حسبی من سوا لی علمه بحالی» اطلاع خداوند از حال من، مرا بی نیاز از درخواست نجات از او می‌کند (المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۶). انسانی که بدین مقام والا نائل آید تمام امور خویش را از خدا می‌داند و رضا و خواست او برایش بر همه چیز رجحان دارد و به این‌جا می‌رسد که ما کجا و دخالت در کار خدا کجا؟ ما کجا و نارضایتی از کارهای پروردگار کجا؟ در حقیقت اتکال بر خالق هستی بخش به عنوان عاملی حفاظت کننده در آدمیان بر حسب مواردی که ذکر آن رفت دارای مراتب و درجات مختلفی می‌باشد گاه آدمیان به جهت رسیدن به اهداف غایی انسانی بر ریسمان الهی چنگ می‌زنند و گاه هنگامی که به واسطه آسیب‌ها و حملات مورد تهدید قرار می‌گیرند به ریسمان اتصال بیش از پیش چنگ می‌زنند و گروهی دیگر در زمره کسانی قرار می‌گیرند که همیشه و در همه حال نظرشان معطوف بر قدرت پروردگار است این موارد در حقیقت همگی الگوهای رایجی هستند که حتی در تدوین و تدابیر جهت راهبرد نظامی در برابر هجوم دشمنان مورد استفاده قرار می‌گیرند چرا که دشمن داخلی نظیر نفس سبعی و بهیمی آدمی و دشمنان خارجی که همانا مجازاً اطراف و اکناف ما می‌باشند نیز باید با تدابیری قلع و قمع شوند و این امر میسر نیست مگر این که دژ انسانی نگاهبانی ابر قدرت داشته باشد که جهت دفاع، از استراتژی ویژه ای که همانا توکل است که سبب اتحاد و انسجام نیروهای درونی می‌گردد و شأن و لیاقت آدمی را افزون می‌نماید بر خوردار باشد به همین خاطر شایسته است الگوهایی که جهت دفاع از مرز زندگی و حریم آدمی وجود دارند را در این قسمت بیان نماییم

الگوهای هدف محور<sup>۱</sup>: در این الگو هر کشوری در عرصه بین المللی، متناسب با آرمان‌ها و اهداف خود به تدوین راهبردی خویش مبادرت می‌ورزد.

الگوهای تهدید محور<sup>۲</sup>: در این الگو برخی از کشورها راهبرد نظامی خویش را نه مبتنی بر اهداف بلکه

1. GoalBase pattern  
2 based threats Patterns

بر اساس تهدیداتی که متوجه آن‌ها است تنظیم و تدوین می‌نمایند. این راهبردها بیشتر حالت تدافعی داشته و بر پایه بازدارندگی عمل می‌کنند.

الگوهای توان محور<sup>۱</sup>: این الگو دارای مبانی نظری پراگماتیستی است. چگونگی راهبرد نظامی (انتخاب الگوی تسلیحاتی\_پدافند هوایی) که ارتباط مستقیمی با میزان توان و قدرت کشور دارد به معنای اعم آن (توان نظامی، سیاسی، اقتصادی و...) مد نظر می‌باشد.

الگوی ترکیبی<sup>۲</sup>: بر اساس این الگو راهبرد نظامی برای کسب آمادگی لازم جهت انجام مأموریت‌های نظامی مورد نیاز، می‌بایست توسط نیروهای مسلح در مقابله با تهدیدات مختلفی طراحی و تدوین شود<sup>۳</sup> (گری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). هریک از این الگوها در مواجهه با بحران‌ها و آسیب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند که در جنگ نرم به صورتی متفاوت بروز می‌یابند. نقیب زاده (۱۳۸۹) معتقد است بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، اقتدار و توسعه از جمله بحران‌ها و آسیب‌هایی هستند که می‌توانند کشورها را در دنیای امروز رسانه‌ها، مورد تهدید قرار دهند و اگر به آن رسیدگی نشود مورد بهره‌گیری دشمن قرار می‌گیرد. در جهان امروز برای دفاع لازم است به آسیب‌ها و بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی توجه نمود و البته رکن اساسی در تمامی این ابعاد و خاصه بعد فرهنگی، ارزش‌ها هستند تا این گونه مسائل مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرند. در جنگ‌های نسل چهارم مردم اولین کسانی هستند که توسط دشمن به صورت غیر مستقیم مورد تهدید قرار می‌گیرند چرا که این نوع جنگ، جنگی روانی است و با سلاح سرد و گرم صورت نمی‌پذیرد اما دشمن تمام قوای خود را جهت حمله مهیا می‌کند. یکی از این شیوه‌ها در برابر بحران‌های آسیب‌زا که واژگون‌سازی ارزش‌ها را هدف قرار داده است واگذاری امور و اتکا بر تدبیر کننده‌ای قادر است، که این اتکا بر ستون‌ها و ارکانی بنا گشته و درجات گوناگونی را شامل می‌شود. عالمان اخلاق، توکل را مشتمل بر چهار رکن اساسی می‌دانند، که به شرح ذیل است.

رکن اول: ایمان به عالم بودن خداوند نسبت به احتیاجات انسان‌ها: انسان متوکل ایمان دارد علم خداوند علمی است مطلق، نامحدود، ازلی و ابدی که به هیچ‌گونه ابزار و مقدمه و واسطه‌ای نیاز ندارد، خطا ناپذیر است و مستلزم تأثیر پذیری ذات الهی از غیر خود نیست. بنابراین، خداوند هم به ذات خویش علم دارد هم به موجودات هستی و نیازهای آن‌ها (سعیدی و دیوانی، ۱۳۸۲، ص ۶۷). نقطه مقابل این رکن این است که آدمی مُدَبِّدْ نسبت به علم پروردگار باشد. این دودلی حاصلی جز فراهم‌سازی راه نفوذ و در نهایت تأثیر پذیری از آسیب‌ها و هجوم دشمنان را در پی نخواهد داشت که در نوع خود بحرانی را پدید می‌آورد که آدمی را سرگشته و حیران می‌کند چرا که بیشتر در پی این است که آموزش را مخلوقات کفایت کنند.



رکن دوم: ایمان به قادر بودن خداوند نسبت به رفع احتیاجات انسان‌ها: مقصود از قدرت الهی آن است که اگر اراده او به انجام فعلی تحقق پذیرد آن را انجام می‌دهد و اگر ترک فعلی را اراده کند آن را ترک می‌کند (همان، ۱۳۸۲، ص ۷۰). بنابراین، انسان متوکل می‌داند که خداوند عز و جل بر انجام تمام امور قادر و تواناست و لذا علاوه بر این که بر احتیاجات بندگان عالم است، در رفع آن‌ها نیز قادر می‌باشد. پس، یکی از صفات پروردگار عالم، قدرت و توانایی او بر انجام امور است. خدایی که تمام موجودات عالم را با قدرت و توانایی خویش جامه هستی پوشانده، قادر است احتیاجات بندگانش را برآورده سازد. در تقابل با این رکن انسان‌هایی که دچار ضعف در ایمان و ایقان به قدرت خداوند گشته اند قدرت را در دست ضعیفان می‌جویند که خود حتی نفس کشیدن و راه رفتنشان وابسته به نیرویی مافوق است و این جماعت به سادگی می‌توانند جهت بر زمین زدن فرد وابسته از مکرری نظیر شانناژ<sup>۱</sup> هم استفاده کنند. ابوسعید ابوالخیر عارفی که اسرار الهی در فصاحت کلامش هویدا می‌گردد چه زیبا امید بر خداوندگار عظمت و قدرت را موزون می‌نماید.

از اهل زمانه عار می‌باید داشت      وز صحبتشان کنار می‌باید داشت

از پیش کسی کار کسی نگشاید      امید به کردگار می‌باید داشت

رکن سوم: ایمان به جود و سخاوت خداوند: انسان متوکل، خدا را به داشتن جود و سخا و کرم و بخشش می‌شناسد و هرگز ذره‌ای احتمال نمی‌دهد که خداوند در عطا و بخشش نعمت هایش به آن‌ها بخل ورزد، او معتقد است رحمت و کرم بی‌کران خدای قادر، سراسر گیتی را فرا گرفته است و موجودی نیست که از رحمت و نعمات گسترده او بی بهره باشد.

رکن چهارم: ایمان به محبت و رحمت خداوند: انسان متوکل معتقد است پروردگار توانا، مظهر مطلق رحمت و شفقت است و محبت و رحمت بی‌کرانش سراسر عالم وجود را فرا گرفته است. بنابراین، توکل مبتنی بر پایه‌هایی است و فقدان هر کدام از پایه‌های مذکور مانع تحقق توکل می‌شود، به گونه‌ای که اگر کسی به عالم بودن و کیل خویش ایمان داشته باشد ولیکن ایمان به توانایی او در برآوردن حاجتش نداشته باشد نمی‌تواند بر او توکل نماید. هم‌چنین، اگر کسی به عالم و توانا بودن خداوند ایمان داشته باشد ولی به جود و سخاوت خداوند معتقد نباشد، برایش توکل حاصل نمی‌گردد. و چنان چه، متوکل به جود و سخاوت خداوند اعتقاد داشته باشد ولی ایمان به محبت و رحمت او نسبت به بندگانش نداشته باشد، نمی‌توان او را یک متوکل حقیقی به حساب آورد. بنابراین، انسان متوکل باید به این رکن نیز ایمان آورد و چنان که ایمان نیاورد متوکل نیست (اکبری، ۱۳۸۳، صص ۴-۶). در تقابل با رکن سوم و چهارم نیز وابسته بودن به دیگران معضلی است که به سبب سستی در ایمان بوجود می‌آید و این نیازمندی به سمت انسان‌ها، پستی و حقارت را برای فرد در پی خواهد داشت چرا که خداوند تنها و تنها موجودی است که پافشاری و اصرار مخلوقات او

۱. مکر، فریب، سفسطه

را به ستوه نمی آورد اما محتاج بودن به مخلوقات ظرف زمانی و مکانی دارد و فرجامی مشخص که خستگی آدمیان و حقیر شمردن فرد طلب کننده ما حاصل آن است.

واگذاری امور به خداوند که همانا توکل نامیده می‌شود منافاتی با توسل ندارد که آبرومندان درگاه حق را واسطه قرار دهیم چرا که در سنت هم این مسئله مطرح است، و با توکل کردن بر مردم و توقع داشتن از خداوند متفاوت است و این نیروی درونی هم چون حس گری قوی، توسل و توکل به غیر را تشخیص می‌دهد دقیقاً هم چون حس گره‌های سنت که پیک (۲۰۰۰) می‌گوید: این نوع حس گر کلیه ی عوامل و ابزار مخاطره آمیز، حتی در مسافت‌های دور را مورد شناسایی قرار می‌دهد و حتی ضعف سیستم‌های اطلاعاتی جنگنده‌ها را نیز شناسایی می‌کند. به بیانی دژ مستحکم درونی ما نیز سست عنصری سرباز خود را که وابسته به غیر است مورد شناسایی قرار می‌دهد. "توکل بدین معنا نمی‌باشد که متوکل، در ضرورت‌ها- کاملاً- از سعی و کوشش باز ایستد و خود را از هلاکت و مخاطرات باز نگیرد، بلکه آویختن به وسایل و علت‌ها- البته همان گونه که در شریعت بدان امر شده است و نه طمع‌ورزی و زیاده‌روی در کار- خود ضروری است ولی با وجود این‌ها نبایستی بر تلاش و نتایج این اسباب ظاهری اعتماد ورزد که اعتماد و اتکاء او تنها بر «مسبب الاسباب» باشد و بس" (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۲۷). حکیم سبزواری در این باره می‌گوید: "توکل آن است که کار را به خداوند که تقدیرکننده امور است واگذار کنی و معنای آن این نیست که خود را از کار بازداری، زیرا، بسیاری از کارها به وسایط و وسایل، پدید می‌آید، تمامی و همه آن وسایل، تنها مجاری فیض خدایی است که منزه از حصر و مبرای از قید و حد است و هیچ یک از آن وسایط، جنبه فاعلیت الهی و حقیقی ندارد و اگر تو می‌خواهی کار نیکی انجام دهی، هرگز از اسباب و وسایل پرهیز نکن، بلکه در غبار روبی هواجس و خواطر نفسانی که حظوظ شخصی در آن مطرح است کوشش کن، نه آن که در مشتتهیات نفسانی و برای تکاثر و افزون‌طلبی جدیت کنی و یا از کار بازمانی" (شرح منظومه، بخش حکمت، ص ۳۵۲). "بنابراین، وظیفه‌ی عابد با ایمان در مقام توکل آن است که برای رسیدن به هر خواسته که اسباب عادی و طبیعی برای آن میسر است، به اسباب عادی متمسک شود، ولی رسیدن به مطلوب را سرانجام مشروط به اراده و اذن تکوینی خداوند بداند" (منفرد، ۱۳۷۱، ص ۲۱۳).

در قرآن کریم و روایات اسلامی این معنی نفی شده است که مفهوم توکل، ترک استفاده از اسباب و وسایل عادی باشد. در قرآن می‌خوانیم که حضرت یعقوب (ع) زمانی که فرزندانش را به مصر می‌فرستد چنین وصیت می‌کند: یا بنی لاتدخلوا من باب واحد وادخلوا من ابواب متفرقه و ما اغنی عنکم من الله من شیء ان الحکم الا لله علیه فلیتوکل المتوکلین. فرزندانم هنگام ورود به دربار پادشاه مصر همه‌تان از یک در وارد نشوید و از درهای مختلف وارد شوید. البته این نصیحت من شما را از خداوند بی‌نیاز نمی‌کند، حکم و دستور از آن خداست. بر او توکل می‌نمایم و افراد متوکل همگی باید به او توکل کنند (یوسف، آیه ۶۷). "این آیه و

بیش توحیدی یعقوب بیانگر آن است که با حفظ بینش توحیدی توکل، به اسباب و لوازم طبیعی توجه داشته باشیم. هم‌چنین، در حدیث معروفی می‌خوانیم: مرد عربی در حضور پیامبر (ص) شتر خود را رها کرد و گفت: «توکلت علی‌الله» پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اعقلها و توکل» شتر را پایبند بزن و بر خدا توکل کن" (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۶۱).

در این جا دو قطب آسیب‌زا وجود دارد، که دو سر طیف قرار گرفته‌اند و افراط و تفریط را در توکل بر خداوند نشان می‌دهد از سمت راست در قطب نخست، توکل به خداوند و ترک استفاده از اسباب و وسایل است گویا سربازان دژ در برابر هجوم دشمنان تنها ایستاده‌اند و دستانشان را رو به سوی پروردگار بالا برده‌اند و دیگر هیچ تلاشی جهت جلوگیری از نفوذ دشمن انجام نمی‌دهند و در قطب دوم، اصالت و استقلال قائل شدن برای اسباب است این جا سربازان آن قدر به نیروهای خارجی توجه کرده‌اند که نیروی اصلی را از یاد برده‌اند در هر دو صورت فرجام شکست خواهد بود و هر دو آسیب می‌باشند و اگر فردی در یکی از این دو قطب سر در بیاورد پس از مدتی به قطب مقابل گرایش پیدا می‌کند. اما حد میانه‌ی دو قطب آسیب‌زا، توکل همراه با کوشش و تلاش و استفاده از اسباب و وسایل است. بنابراین، در راه سلامت، توکل به معنای نفی انتساب امور به انسان یا اسباب و علل طبیعی و ارجاع اصالت و استقلال به خداوند است، به طوری که فرد در راه رسیدن به اهداف از سایر اسباب و وسایل کمک می‌گیرد.

قطب دوم

حد میانه

قطب اول



توکل بدون توسل به اسباب      توکل به خدا و توسل به اسباب      توسل به اسباب بدون توکل برخدا

#### ۴- آثار و پیامدهای توکل به عنوان پدافند غیرعامل

توکل به خداوند متعال، پیامدهای مثبتی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بر جای می‌گذارد؛ در این جا به توضیح برخی از این ثمرات و فواید می‌پردازیم:

##### ۴-۱ آرامش و اطمینان قلبی

یکی از ثمرات توکل، آرامش درونی و اطمینان قلبی است. توکل به خداوند، آرام‌بخش است، زیرا کسی که بر خداوند توکل می‌کند نتیجه تدابیر و اقدامات خود را هر چه باشد به آسانی می‌پذیرد و بر این باور است که نتیجه کارهای او اگر مطابق پیش‌بینی او باشد صلاح او چنین بوده است و اگر خلاف آن باشد نیز مصلحت او را تأمین می‌کند. بنابراین، انسان متوکل از آینده اضطراب ندارد و با قوت قلب و آرامش به تدبیر امور می‌پردازد (غباری بناب، ۱۳۸۱، ص ۴). از این رو در قرآن آمده است: فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظيم. اگر آن‌ها از حق روی بگردانند (نگران مباش) بگو خداوند مرا کفایت می‌کند، هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او صاحب عرش عظیم است (توبه، آیه ۱۲۹).

و در حدیث می‌خوانیم: اصل قوه القلب التوکل علی الله. اصل آرامش و قوت قلب، توکل بر خداوند است. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۸۱). یکی از اصول پدافند غیرعامل پراکندگی است که مراکز حیاتی با فاصله مناسبی از یکدیگر تعیین می‌گردند تا کمترین ضرر و زیان متوجه مراکز امنیتی باشد. در حقیقت توکل هم به عنوان یک نوع ابزار دفاعی خود دارای زیر مجموعه‌های متعددی است که آرامش قلبی ناشی از وابستگی به قدرت خداوند یکی از نتایجی است که بدنبال دارد که ضریب امنیتی را در برابر آسیب‌ها برای انسان به حد اعلی می‌رساند چرا که هیچ گونه نگرانی و تشویش که در پی عدم وجود تکیه گاه مناسب پدیدار می‌گردد وجود ندارند.

#### ۴-۲ افزایش قدرت تفکر

توکل بر خداوند، هوش و قدرت تفکر را می‌افزاید و روشن بینی خاصی به انسان می‌بخشد، زیرا، توکل سبب می‌شود انسان در برابر مشکلات وحشت زده نشود و قدرت بر تصمیم‌گیری را حفظ کند و نزدیک‌ترین و برترین راه درمان و حل مشکل را بیابد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۴). از این رو در حدیثی از امیرالمومنین علی (ع) می‌خوانیم: «من توکل علی الله اضاءت له الشبهات و کفی المؤمنات و امن التبعات» کسی که بر خداوند توکل کند تاریکی شبهات برای او روشن می‌شود و اسباب پیروزی او فراهم می‌گردد و از مشکلات رهایی می‌یابد (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۴۱۴). بنابراین قدرت تفکر که یکی از معیارها و ملاک‌های شرافت و برتری آدمی است که میزان لیاقت او را در درگاه احدیت نشان می‌دهد و وجه ممیز انسان از حیوان است که در حد تمام برای بشر در نظر گرفته شده است به منظور رسیدن به درجه اکمال، که بتواند راه را از چاه باز بشناسد و در روزگاری که دشمنان درون و بیرون در پی ایجاد تردید در وجود آدمیان هستند، شبهات را مرتفع سازد نیازمند به اوج رساندن سطح تفکر خویش است و تنها، اتصال بر دریای عظمت و قدرت خداوند است که موجب افزایش سطح فکری انسان می‌گردد چرا، انسانی که دم اهورایی پروردگار را دریافت نموده است لایق حمایت و پشتیبانی از نیروی ازلی و به اعلی رساندن قدرت تعقل، تفکر و تدبیر است.

#### ۴-۳ عزت نفس

از دیگر ثمرات توکل بر خدا، عزت و سربلندی در بین مردم است. فرد متوکل چون به خداوند تکیه می‌کند غنای نسبی از مردم دارد و به خاطر رسیدن به مال و مقام از مردم التماس نمی‌کند. لذا، عزت و سربلندی‌اش حفظ می‌شود و خداوند در قرآن می‌فرماید: و توکل علی العزیز الرحیم ای پیامبر بر خداوند عزیز و مهربان توکل کن (شعراء، آیه ۲۱۷). و در جای دیگری می‌فرماید: و من یتوکل علی الله فان الله عزیز الحکیم. هر که به خدا توکل کند او را عزیز (پیروزمند) و حکیم خواهد یافت (انفال، آیه ۴۹). در تفسیر این آیات بیشتر مفسرین نوشته‌اند چون خداوند عزیز است نمی‌گذارد که پناهنده او (توکل‌کننده به او) دچار

ذلت و خواری گردد. امام صادق (ع) فرمودند: «ان الغنى و الغر یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطننا» بی‌نیازی و عزت و سرافرازی در گردش و حرکتند، پس هر کجا به توکل برخورد کردند، در آن جا وطن بر می‌گزینند (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۲۶). هم‌چنین، امام علی (ع) فرمودند: «یا ایها الناس توکلوا علی الله و اتقوا به فانه یکفی ممن سواه» ای مردم بر خدا توکل کنید و به او اعتماد داشته باشید چرا که انسان را از غیر خدا بی‌نیاز می‌کند (بحارالانوار، جلد ۵۵، ص ۲۶۵). و در این رابطه لقمان حکیم به فرزندش فرمود: «یا بنی! توکل علی الله ثم سل فی الناس، من ذا الذی توکل علی الله فلم یکفه؟!» فرزندم! بر خدا توکل کن سپس از مردم بپرس. آیا کسی هست که توکل به خدا کرده باشد و خداوند او را بی‌نیاز نکند و مشکل او را حل نکرده باشد؟! (میزان الحکمه، ج ۴). در حقیقت معرفت حاصل از توکل بر خداوند با پدید آوردن و یا پرورش دادن حس عزت نفس در آدمیان آنان را از ارتکاب به معصیت باز می‌دارد و این بازدارنده بودن، در برابر گناهان، یک نوع حافظت از انسان است چرا که معصیت هم به علت عوامل داخلی و هم خارجی ممکن است بوجود آید و نتایج متعددی را هم در پی داشته باشد که پس از نفوذ به درون آدمی تمام فضائل و حسنات را که کالبد آدمی به آن مزین گردیده، سیاه اندود می‌سازد.

#### ۴-۵ جلوگیری از غرق شدن در مادیات

انسان متعالی و خداپرست در پرتو پیوند روحی عمیق خود با خدا، آسان‌تر می‌تواند از غرق شدن در مادیات رهایی یابد و تعهدات انسانی و خدایی خود را به کار بندد، زیرا عشق او بر خداوند بر گرایش طبیعی و جاذبه‌های دیگر پیروز می‌شود و او را به صورت انسانی خود ساخته، بی‌آلایش، پاک، کمال طلب در می‌آورد که از روی اختیار در جهت تکامل انسانی گام بر می‌دارد (حسینی بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۲۳). در این باره قرآن می‌فرماید: فما اوتینم من شیء فمتع الحیوه الدنیا و ما عندالله خیر و ابقی للذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون. آن چه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست و آن چه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است (شوری، آیه ۳۶). بنابراین یکی از بحران‌هایی که امروزه گریبان گیر آدمیان شده است، پدیده روز مرگی است که آدمیان را غرق در مادیات دنیوی ساخته است. سرگرم شدن به امور مادی و دنیوی ضربه ای کاری از سوی شیطان است چرا که انسان را از یاد خداوند غافل می‌سازد. بنابراین توکل به عنوان عامل دفاعی ای عظیم در آدمی موجب ایستادگی و مقاومت وی در برابر این گونه بحران‌ها می‌باشد.

#### ۴-۶ تقویت اراده

در سایه توکل به خداوند انسان حق جو هنگامی که تصمیمی به خاطر خدا می‌گیرد در تصمیم و اراده خود قاطعیت دارد، زیرا فقط بر خداوند تکیه می‌کند که سرمنشأ همه علل و عوامل جهان است، در این صورت معنی ندارد که سستی به خرج دهد و در پای آن نایستد (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۹). خداوند در قرآن می‌فرماید:

فاذا عزمتم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین. هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن که خداوند متوکلین را دوست دارد (آل عمران، آیه ۱۵۹).

#### ۴-۷ شجاعت

اگر انسان در برخورد با کارها و امور بزرگ و کوچکی که در طول حیاتش وجود دارد احساس تنهایی کرده گمان نماید که در برخورد با مشکلات و پیشامدهای مهم و ناگوار و پیشبینی نشده، یار و یآوری ندارد و امکان این که دستی به کمکش بشتابد نیست، دچار تزلزل و سستی می‌گردد و از دست زدن به هر امری گریزان می‌شود. بر عکس، اگر متکی بر عوامل و اشخاص با قدرتی باشد که در مواقع حساس به کمکش می‌شتابند، جرأت و جسارت لازم برای اقدام به کار را پیدا می‌کند، به هر حال توکل و اتکاء و اعتماد به یک نیروی قوی‌تر و برتر که بتواند در مواقع حساس به انسان یاری رساند سبب می‌شود که انسان جسارت عمل پیدا کند و به عبارت دیگر، در عمل کردن نوعی شجاعت و جسارت داشته باشد و از مشکلات و موانع احتمالی کارها نهراسد (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۱). چنان که خداوند کریم در قرآن از قول حضرت نوح چنین می‌فرماید: وائل علیهم نبا نوح اذ قال لقومه یقوم ان کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بایت الله فعلی الله توکلت فاجمعوا امرکم و شرکاءکم ثم لا یکن امرکم علیکم غمه ثم اقصوا الی و لاتنظرون. و بر آن‌ها خبر نوح را بخوان آن‌گاه که به قومش گفت ای قوم من، اگر قیام من و پند دادنم به آیات الهی بر شما گران آمده است بدانید که من بر خداوند توکل کرده‌ام؛ شما با شریکانی که قائلید کارتان را هماهنگ و عزمتان را جزم کنید، سپس در کارتان پرده پوشی نکنید، آن‌گاه کار من را یکسره کنید و مهلتم ندهید (یونس، آیه ۷۱). بنابراین آن چه مایه خواری آدمیان می‌گردد جین و بزدلی در برابر باطل و رأی مثبت دادن به هر آن چه بوی غیر می‌دهد است. در حقیقت توکل بر خداوند و دست نیاز دراز نمودن به درگاه پروردگار حالت تدافعی ای می‌باشد که به صورت شجاعت در آدمی ظاهر می‌گردد که گویا شمشیر برنده ای است که دشمن را قلع و قمع می‌نماید. و هم چون سایر شیوه‌های دفاعی هدفی دارد که آن هم جلوگیری از تخریب انسان است که بواسطه جین و ترسویی وی در برابر خواسته‌ها و خواهش‌های نفسانی بوجود می‌آید.

#### ۴-۸ دوری از صفات رذیله

توکل، بسیاری از صفات زشت و رذیله را مانند: حرص، حسد، دنیاپرستی، بخل و تنگ نظری از انسان دور می‌سازد؛ چرا که وقتی تکیه گاه انسان، خداوند قادر باشد، جایی برای این اوصاف رذیله وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۴). به دیگر سخن، اگر انسان به خداوند متعال توکل داشته باشد و دستورات او را به کار بندد در واقع پوزه او را به خاک مالیده و ابلیس بر چنین انسانی هرگز تسلط نخواهد یافت. انما سلطنه علی الذین یتولونه و الذین هم به مشرکون. آری شیطان بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند دست ندارد (نحل، آیه ۹۹). به همین خاطر وجود این کهن دژ (توکل) سبب می‌گردد هرگونه اقدام

حیله گرانه ای که موجب ریشه دواندن رذائل اخلاقی در آدمی می‌گردد ناکام بماند و چه شایسته مأمنی است اتکال بر خالق، که این گونه مخلوق خویش را مورد حمایت قرار می‌دهد.

#### ۹-۴ توسعه رزق

خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید: و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه. و او را از جایی که گمان نمی‌برد، روزی رساند؛ و هر کس بر خداوند توکل کند همو وی را کافی است (طلاق، آیه ۳). رسول خدا (ص) فرمودند: «لو انکم تتوکلون علی الله حق توکلہ لرزقکم کما یرزق الطیر، تغدو حماصاً و تروح بطناناً» اگر به خداوند، به حقیقت توکل تکیه کنید، خداوند حتماً شما را روزی خواهد داد، آن گونه که پرندگان را روزی می‌دهد. با شکم‌های خالی صبح می‌کنند و شب با شکم پر به لانه بر می‌گردند (محبه البیضاء، ج ۷، ص ۳۷۹). بنابراین باید دانست چشم امید به دست غیر داشتن گره ای را باز نخواهد ساخت چه بسا گره ای جدید بر کار بیافکند و طوق بردگی بر گردن انسان بیاویزد. امید به لطف خداوند است که قطع امید و نیاز از بندگان را بدنبال خواهد داشت که شکوه این عزت و سربلندی به خاطر وجود پشتیبانی قوی است که همیشه در حالت آماده باش برای بندگان متوکل است.

#### ۱۰-۴ امیدواری و تلاش

کسی که دارای روح توکل است هرگز یأس به خود راه نمی‌دهد و در برابر مشکلات احساس ضعف و زبونی نمی‌کند. کسی که بر خداوند توکل دارد دلسرد و سرخورده نمی‌شود؛ بلکه با امید بیشتری به پیگیری کار خود می‌پردازد؛ زیرا، توکل مایه احساس پشت‌گرمی و داشتن همراه و یآوری کارساز چون خداوند متعال است (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۷). و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن علی ما اذینونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون. و چرا بر خدا توکل نکنیم، با این که ما را به راه‌های سعادت رهبری کرده است، و ما به طور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی‌داریم) و توکل کنندگان باید بر خداوند توکل کنند (ابراهیم، آیه ۱۲). بنابراین آدمی آن زمان که بداند در هر پله ای که ایستاده است، خداوند در پله ای بالاتر از اوست، نه چون که خداوند است بلکه بدین خاطر که می‌خواهد دست بنده خود را بگیرد، یأس و نومی‌دی از کالبد او رخت بر می‌بندد و دیگر بیمی از هجوم بیگانه بر ساحت وجودی خود ندارد چرا که نور امید در دلش روشن است و آن جاست که سر بر آستان پروردگار می‌ساید و نجوا می‌کند که خدایا مرا ببخش بخاطر تمام درهایی که کوبیدم و خانه تو نبود و فقط خانه ای پوشالی بود که یأس و ناامیدی را صاحب خانه ارزانی می‌داشت.

#### نتیجه گیری

توکل، یکی از ارکان ایمان است که بدنبال دست یابی به هدف افزایش ظرفیت وجودی انسان در مقابله با تهدیدات و خطرات احتمالی و نیز ارتقای توانمندی و افزایش آستانه تحمل افراد در مواجهه با شرایط ویژه

که بسته به میزان ایمان به پروردگار متفاوت است می‌باشد. استراتژی توکل جهت کاهش و یا رفع سستی و ناپایداری و اضمحلال عناصر وجودی برای انسان تعبیه شده است که شأن آدمی را در قیاس با دیگر موجودات نشان می‌دهد و در حقیقت اهمیتی ویژه به جهت حمایت از انسان در برابر عوامل واژگونی و تخریب این دژ است. توکل یعنی در کار خود بر خداوند تکیه کردن و حالتی است در بنده مومن که از معرفت او به خداوند و اوصاف و اسماء حسنا او ناشی می‌شود یعنی محدود به ابزارهای دفاعی در برابر دشمنان هم چون سلاح سرد و گرم نیست بلکه ابزار نیازمندی به بی‌نیازی که سازنده پیچیده‌ترین، کارآمدترین و پایدارترین سلاح‌ها است می‌باشد و بهترین نیروی تدافعی است که وحدتی درونی ای در آدمی پدید می‌آورد که تمامی فضائل اخلاقی دست در دست یکدیگر سعی خود را بر این مبتنی سازند که ایمان به قدرت پروردگار رشد یابد به جهت حمایت از انسان در برابر آسیب‌ها. توکل نوعی رابطه ایمانی میان بنده و معبود است. مومن می‌داند که خداوند به نیاز همه بندگان آگاه و بر رفع آن نیازها تواناست، خداوند خیرخواه بندگان است و به آن‌ها رحمت و شفقت دارد و بخیل نیست. پس خداوند هر نیازی را که بنده داشته باشد، مطابق خیر و مصلحت او تأمین می‌کند و از شنیدن خواسته‌های مکرر و خواهش‌های متعدد جهت رفع و دفع بلا یا عاصی نمی‌گردد. هم‌چنین، انسان متوکل در برابر همه سنن الهی تسلیم و خاضع است و برای رسیدن به هر هدفی اسباب آن را فراهم می‌کند و در عین حال می‌داند اسبابی که بر می‌گزیند، هیچ یک در تأثیر و ثمربخشی مستقل نیستند؛ تأثیر همه آن‌ها در دست خداست و این اسباب در حقیقت تمهیدات و مقدماتی در اجرای این طرح غیر مسلحانه هستند که بواسطه این لوازم باید زمینه سازی لازم صورت بگیرد و آرایش نظامی وجودمان پدید بیاید تا سردار این قلعه دستور نهایی را جهت دفاع صادر نمایند. بنابراین، این گونه توسل به اسباب با توکل حقیقی، هیچ منافاتی ندارد. هم‌چنین، توکل آثاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بر جای می‌گذارد از قبیل کنار آمدن با مشکلات، مقاومت در برابر یأس و نومیدی، مهار اضطراب و افسردگی، جلوگیری از تخلفات و رذائل اخلاقی و غیره. و در نهایت، راه رسیدن به چنین فضیلتی و استفاده از این آثار و برکات در گروه ایمان به خداوند و شناخت او و در یک کلام «توحید افعالی» است و آن گونه که حسینی بهشتی (۱۳۶۰) بیان می‌دارد اگر انسان به علم یقین از قدرت و علم خداوند باخبر باشد و در پهنه هستی همه چیز و همه کس را ریزه خوار خوان نعمت او بداند و به مفهوم «لاموثر فی الوجود الا الله» آشنا باشد و روح و جان و دل خویش را در گرو این امر بداند و هم‌چنین، جهان را صحنه الطاف بیکران الهی ببیند و بداند که حتی هیوط آدم و حوا در سرزمین صفا و مروه نیز به خاطر وجود دشمن و جدال همیشگی آدمی بین حق و باطل بوده است و تنها پروردگارش آنان را کفایت نموده است سعی خورا مبتنی بر این قرار داده که برای رسیدن به صفت توکل بینش توحیدی را کسب نماید که این بینش مستلزم ایمان و ایقان بر خداوند است. زیرا، در بینش توحیدی انسان به این حقیقت برخورد می‌کند که



آفرینش جهان و گردش کار آن فقط به دست آفریدگار توانا و دانا است. این بینش توحیدی به طور طبیعی انسان را به این اصل رهبری می‌کند که تنها اوست که شایسته پرستش و عبادت است و چون سررشته همه پدیده‌ها و قوانین آفرینش به دست اوست فقط باید بر او توکل کرد چرا که پروردگار هستی هر آن چه را در آسمان‌ها و زمین علیه آدمی بر خیزند و در پی هلاکت انسان باشند را کن فیکون می‌نمایند و بی‌اذن و اراده ایشان حتی برگی از شاخسار درختی بر زمین هیوط نمی‌کند.

## منابع و ماخذ

قرآن کریم

اکبری، محمود (۱۳۸۳)، مشیت الهی در سبب‌سازی و سبب‌سوزی. تهران، گلستان ادب  
انصاری، محمد علی (۱۳۳۷) غررالحکم و دررالکلم، تهران، بیتا  
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۴۶)، شرح غرر الحکم و در الکلم، جلد ۵، تهران، دانشگاه تهران  
حسینی عبدالرضا، اسکندری مجتبی، شایق صادق، (۱۳۹۰)، بررسی میزان تعهد سازمانی پایوران سازمان پدافند غیرعامل کشور، فصلنامه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، شماره ۲۰، تهران  
حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۶۰)، توکل از دیدگاه قرآن، اصفهان، فردوسی  
خرم آبادی، محمد (۱۳۹۰)، تاریخچه و مفاهیم پدافند غیرعامل، فصلنامه سازمان نظام مهندسی ساختمان، شماره ۳۶

دیلمی احمد، آذربایجانی مسعود، (۱۳۸۱)، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف  
رشیدپور، مجید (۱۳۷۴)، مبانی اخلاق اسلامی. تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران  
زرهانی، سید احمد (۱۳۷۶)، نگاهی به فرهنگ ارزش‌ها، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۶۷)، شرح منظومه، تهران، مرکز نشر کتاب  
سعیدی مهر محمد، دیوانی امیر، (۱۳۸۲)، معارف اسلامی (۱)، قم، دفتر نشر معارف  
سلطانی، غلامرضا (۱۳۶۲)، تکامل در پرتو اخلاق، قم، اسلامی  
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، جلد ۱۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی

عاملی، شیخ حر (۱۳۸۹)، جهاد با نفس، مترجم علی صحت، قم، بقیه الله

غباری بناب، باقر (۱۳۸۱)، توکل بر خدا  
www. seraj. Ir

فردرو، محسن (۱۳۸۷)، دیدگاه‌های نظری پدافند غیرعامل، تهران، انتشارات عباسی

- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۶۲)، *الموجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، جلد ۷، قم، موسسه نشر اسلامی.
- کبوری، علی باقر (۱۳۷۰)، *جنگ و استراتژی*، تهران، نشر بین الملل
- گری، کالین (۱۳۸۱)، *فصلنامه دفاعی تاکتیکی*، شماره ۵، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۲ هـ ق)، *بحار الانوار*، جلد ۲۸ لبنان، موسسه الوفاء
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۲ هـ ق)، *بحار الانوار*، جلد ۵۵ لبنان، موسسه الوفاء
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۲ هـ ق)، *بحار الانوار*، جلد ۶۸ لبنان، موسسه الوفاء
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۲ هـ ق)، *بحار الانوار*، جلد ۷۱ لبنان، موسسه الوفاء
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، *میزان الحکمه*، جلد ۱۰، (ترجمه حمیدرضا شیخی)، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، *میزان الحکمه*، جلد ۴، (ترجمه حمیدرضا شیخی)، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث
- www. Hawzah. net مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، توکل
- منذر، علی (۱۳۵۷)، *بررسی قرآنی و روایی توکل (خاستگاه، موضوع و نتیجه)*، قم، کوثر
- منفرد، حسن (۱۳۷۱)، *اخلاق و تربیت اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام
- نراقی، مهدی (۱۳۶۶)، *علم اخلاق اسلامی (ترجمه کتاب جامع السعادات)* (ترجمه سیدجلال الدین مجتبیوی)، تهران، حکمت
- نقیب زاده، سیدرضا (۱۳۸۹)، *سخنی با خواننده پدافند غیرعامل زمینه ای فرهنگی برای مقابله با تهدید*، اطلاع رسانی و کتاب داری/کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۵